

## کاربست نظریه مسئولیت حمایت در منازعه اوکراین-روسیه

علی ایلخانی پور<sup>۱</sup>

عطاله صالحی<sup>\*۲</sup>

فائزه رحیمی مقدم<sup>۳</sup>

### چکیده

عملیات ویژه روسیه در اوکراین، پیامدهای ناشی از جنگ که منجر به کشته شدن ده‌ها هزار نفر و آوارگی میلیون‌ها نفر شده است، بن‌بست شورای امنیت در حمایت از غیرنظامیان و عدم مدیریت فوری و مناسب این بحران بزرگ موجب طرح مجدد بحث مداخلات بشردوستانه در قالب دکترین «مسئولیت حمایت» شده است. ناتوانی جامعه بین‌المللی در مقابله جدی با نقض گسترده و سازمان یافته حقوق بشر در دهه ۱۹۹۰ موجب طرح دکترین «مسئولیت حمایت» در سال ۲۰۰۱ شد و حاکمیت نه به‌عنوان مزیت بلکه به‌عنوان مسئولیت مورد تأکید قرار گرفت. این نظریه در سند اجلاس سران کشورها در سال ۲۰۰۵ در سازمان ملل مورد تأیید قرار گرفت و در سال ۲۰۱۱ در لیبی استفاده شد. براساس نظریه «مسئولیت حمایت» چنانچه دولت‌ها نخواهند یا نتوانند از شهروندان خود در مخاصمات مسلحانه حفاظت نمایند جامعه بین‌المللی مسئول حفاظت از مردم در برابر جنایات چهارگانه خواهد بود. مقاله با روش توصیفی تحلیلی در پاسخ به سؤال اصلی مبنی بر امکان کاربری دکترین مسئولیت حمایت در بحران اوکراین این فرضیه را مطرح می‌کند که به دلیل گستره تلفات غیرنظامی، بحران انسانی گسترده، استفاده از سلاح‌های ممنوعه و هدف قرار دادن اماکن غیرنظامی، بازداشت‌های خودسرانه و ارتکاب شکنجه و تجاوز توسط طرفین مخاصمه امکان اعمال نظریه در بحران اخیر وجود دارد اما به دلیل اینکه اقدامات کم‌شدت نظامی مانند اعمال منطقه پرواز ممنوع می‌تواند به گسترش بحران انسانی موجود منجر شود و صرفاً اقدامات دیپلماتیک و سیاسی در چارچوب ارکان اصلی دکترین توصیه می‌شود. **واژگان کلیدی:** عملیات ویژه نظامی، فدراسیون روسیه، اوکراین، نظریه مسئولیت حمایت

10.22034/ir.2024.415081.2438

۶۳

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل و

پنجاه و یک،

زمستان ۱۴۰۲

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

۳. کارشناسی ارشد دیپلماسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

\* fzh.rahimi93@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاه و یک، صص ۸۴-۶۳

## مقدمه

بحران انسانی بین فدراسیون روسیه و اوکراین از اواخر اکتبر سال ۲۰۲۱ آغاز شد و به سرعت ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرد و علاوه بر کشته شدن ده‌ها هزار نفر به آوارگی بیش از ۸ میلیون انسان در ماه‌های اول بحران منجر شد. پیمان آتلانتیک شمالی، اتحادیه اروپا، مثلث لوبلین، فدراسیون روسیه، بلاروس، اتحادیه کشورهای مستقل همسود و سازمان پیمان امنیت جمعی، آلمان، ایالات متحده و ده‌ها کشور دیگر به طور مستقیم و غیر مستقیم درگیر این منازعه بین‌المللی شده‌اند. بحران با تصمیم اوکراین به پیوستن به ناتو و نزدیکی به غرب و واکنش روسیه در مارس و آوریل ۲۰۲۱ آغاز شد. پوتین رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه به نیروهای نظامی دستور داد که پرسنل و تجهیزات نظامی را در مرز شبه‌جزیره کریمه مستقر کنند. روسیه در سال ۲۰۱۴ کریمه را به خاک خود ملحق کرد بود و این دستور حاکی از حمله گسترده و احتمالی روسیه به اوکراین و شروع بحرانی در مقیاس بین‌المللی بود. تصاویر هوایی حاکی از استقرار لشکرهای زرهی، موشک و سلاح‌های سنگین در این منطقه بود. ده‌ها هزار سرباز روس تا دسامبر ۲۰۲۱ از سه جهت در نزدیکی مرز اوکراین تجمع کرده بودند و در نهایت از بلاروس، شرق اوکراین و جنوب وارد خاک اوکراین شدند. بحران کنونی ادامه جنگ در دونباس از سال ۲۰۱۴ است. روسیه در ماه دسامبر ۲۰۲۱ پیش‌نویس دو معاهده را به اوکراین ارائه کرد و از این کشور «تضمین امنیتی» به‌خصوص یک قول الزام‌آور حقوقی مبنی بر اینکه اوکراین به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در نخواهد آمد، خواست. همچنین روسیه خواهان کاهش تعداد سربازها و تجهیزات ناتو در اروپای شرقی بود. روسیه به اوکراین هشدار داد عدم همکاری منجر به اقدام نظامی خواهد شد اما ناتو و ایالات متحده ضمن رد این درخواست تهدید کردند در صورت اقدام نظامی روسیه تحریم‌های اقتصادی «سریع و شدید» اعمال خواهند کرد. فدراسیون روسیه در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لووانسک را به عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت. روسیه با خروج ضمنی از پروتکل مینسک به دونباس نیرو فرستاد و در ۲۲ فوریه، پوتین فسخ پروتکل مینسک را اعلام کرد و شورای فدراسیون روسیه با اتفاق آراء اجازه استفاده از نیروی نظامی در این منطقه را داد. ۴

صبح ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، پوتین اعلام کرد که یک «عملیات نظامی ویژه» را در دونباس شروع می‌کند و متعاقباً روسیه یک حمله تمام عیار به اوکراین را کلید زد و تا ۱۲ نیمه شب ۳ جولای ۲۰۲۲ حداقل ۱۱۱۵۲ غیرنظامی جان خود را از دست داده بودند. با توجه به بحران انسانی حاصل از این عملیات نظامی در اوکراین، نویسندگان با استفاده از روش کیفی این پرسش اصلی را مبنی بر امکان به کارگرفتن نظریه مسئولیت حمایت در بحران روسیه-اوکراین مطرح می‌کنند. چارچوب نظری مورد استفاده در مقاله نیز نظریه «مسئولیت حمایت» است که به وظیفه جامعه بین‌المللی در برابر جمعیت غیرنظامی در شرایط مخاصمات مسلحانه می‌پردازد و حاکمیت را نه مطلق و مزیت حاکمان، بلکه یک مسئولیت تلقی می‌کند.

#### ۱. پیشینه پژوهش

ولفگانگ بندک و همکاران (۲۰۲۲) در گزارشی با عنوان «نقض‌های حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت که در اوکراین از ۲۴ فوریه ۲۲ ارتکاب یافته» به موارد نقض حقوق بشر در جریان منازعه بین روسیه و اوکراین پرداخته است. تأثیر نقض حقوق بشر بر حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی، موارد مربوط به بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، قتل، استفاده از سلاح‌های ممنوعه و هدف قرار دادن مراکز غیرنظامی مورد توجه گزارش قرار گرفته است. گزارش به قواعد حاکم بر حقوق جنگ، نحوه رفتار با اسرا و مجروحین جنگی، غیرنظامی‌ها و کادر پزشکی می‌پردازد و به موارد نقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط اشاره می‌کند. موسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در بهره‌گیری از دکترین مسئولیت حمایت بر آن هستند که مسئله برخورد جامعه بین‌الملل در موارد نقض بنیادین حقوق بشر از دیرباز در رویه دولت‌ها سابقه داشته و اینکه وجدان بشری در طول تاریخ انسان را به کمک و یاری ستمدیدگان فراخوانده است، نه تنها ریشه در حقوق و سیاست، بلکه ریشه در اخلاق و معنویت بشر داشته است (موسی‌زاده، رضا و حسین‌زاده، سارا، ۱۳۹۹: ۴۶۸) و آنچه به اجمال در گزارش کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها آمده است این است که دخالت نظامی با هدف حفاظت از شهروندان باید متضمن علت موجه باشد. دیدگاه کمیسیون

این است که دخالت نظامی با اهداف حمایت انسان‌دوستانه باید اقدام استثنائی و فوق‌العاده محسوب شود و برای موجه بودن آن باید خطر جدی و جبران ناپذیری برای بشریت در حال وقوع باشد یا به طور تهدید کننده‌ای احتمال وقوع آن باشد ( Report of ICISS) (موسی‌زاده، رضا و حسین‌زاده، سارا، ۱۳۹۹: ۴۷۲). فقیه حبیبی (۱۳۹۶) در مقاله «تحول مفهوم حاکمیت ملی دولتها در پرتو دکترین مسئولیت حمایت» بر آن است که از موضوعاتی که تأثیر به‌سزایی به طور متقابل بر تحول اصل حاکمیت، تعدیل اصل عدم مداخله در امور داخلی دولتها دارد موضوع حقوق بشر و بین‌المللی شدن آن است؛ و از سوی دیگر جایگاه حقوق بشر در منشور ملل متحد همواره با عبارتهای شامل ارتقا، تشویق و حفاظت مشخص شده و ارتقا و تشویق به رعایت حقوق بشر از دیدگاه ملل متحد مانند اموری بلامنازع قلمداد می‌شود. با تحول جامعه بین‌المللی و سربرآوردن مفاهیم و ارزش‌هایی در اندیشه بشردوستانه دیگر نمی‌توان بر مطلق بودن حاکمیت ملی تکیه کرد. حقوق بین‌الملل امروزی نمی‌تواند بپذیرد که دولتها با استناد به اصل عدم مداخله دست به هر کاری بزنند و با افزایش آگاهی‌ها در زمینه حقوق بشر و بیشتر شدن سازمان‌های غیردولتی و همین‌طور حساسیت‌های جامعه جهانی نسبت به موضوعات حقوق بشر می‌توان گفت که دیگر حاکمیت ملی سکان‌دار حقوق بشر نیست. (فقه حبیبی: ۱۳۹۶: ۱۵۵). رفیعی بصیری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بازخوانی پارادوکس حاکمیت و مداخله در حقوق بین‌الملل نوین» به موارد مجاز مداخله در حقوق بین‌الملل اشاره می‌کنند به بیان ایشان در حقوق بین‌الملل برای دفاع دولتها از خود تنها یک مکانیسم مشروع قرار داده شده است که در ماده (۵) منشور ملل متحد به صراحت آمده است و آن دفاع مشروع فردی و جمعی است. (رفیعی بصیری، جاودانی مقدم و کیانی، ۱۴۰۰: ۲۳۰) اقدام دسته جمعی در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد نیز مورد تأیید حقوق بین‌الملل قرار دارد. این اقدام علیه یک یا چند کشور ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد تعریف شده که لازمه آن اخذ مجوز از شورای امنیت سازمان ملل متحد است. البته این بحث مخالفانی هم دارد که معتقدند ضررهای این اقدام بیشتر است و معمایی در مداخله بشردوستانه ایجاد کرده است. در نتیجه این معما سبب شد که در قرن بیست میلادی مفهوم مسئولیت حمایت ذیل فصل هفتم منشور

عرضه شود. (رفیعی بصیری، جاودانی مقدم و کیانی، ۱۴۰۰: ۲۳۱-۲۳۰). شریفی طرازکوهی و همکاران در مقاله «امکان یا امتناع نظریهٔ مسئولیت حمایت در نظام حقوقی اسلام» این اعتقاد را مطرح می‌کند که به طور کلی می‌توان گفت که اگرچه مسئولیت حمایت می‌تواند به‌عنوان عاملی مشروعیت‌بخش برای استفاده از نیروی نظامی محسوب شود اما تضعیف جایگاه حاکمیت دولت برای حمایت از غیرنظامیان همچنان به‌عنوان نمونه‌ای از تقویت هنجارهای بین‌المللی مورد اختلاف باقی مانده و شورای امنیت هنوز تا آنجا پیش نرفته که به طور مستقیم مجوز تغییر رژیم را صادر کند، حتی در مواردی حاد که خود حکومت باعث عدم وجود امنیت است. واقعیت مسلم حقوقی آن است که در حال حاضر به هیچ‌عنوان چنین اجازه‌ای در اختیار شورای امنیت وجود ندارد و قطعنامه ۱۹۳۷ هم چنین مجوزی را صادر نمی‌کند. (شریفی طرازکوهی و مبینی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). غلامعلی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تبعات سیاسی و امنیتی نظریه مسئولیت حمایت در کشور سوریه» این ایده را مطرح می‌کنند که نظریه مسئولیت حمایت دارای اصولی است که می‌تواند دولت‌ها و جامعه بین‌المللی را متعهد کند که از مردم، اعم از اتباع خود و اتباع خارجی در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، تصفیه قومی و جنایات علیه بشریت حفاظت کنند، یعنی مسئولیت اولیه حفاظت از شهروندان در برابر جنایات خشن را بر عهده دارد و جایی که دولت نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از ارتکاب جنایات جلوگیری کند وظیفه جامعه بین‌المللی است که ابتدا به شکل صلح‌آمیز و در صورت عدم موفقیت به زور متوسل شود. (غلامعلی‌پور و ایلخانی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۴۱)

## ۲. رهیافت نظری: نظریه مسئولیت حمایت

ریشه مفهوم حاکمیت به معنای امروزی آن به زمان تشکیل دولت‌های سرزمینی مدرن برمی‌گردد. در حقوق عمومی، حاکمیت به معنی قدرت برتر، قدرت مافوق و قدرت مطلق و انحصاری هر کشور است. حاکمیت قدرتی مافوق تمام قدرت‌هاست و جنبه غیر مشروط و مطلق و دائمی دارد. در نظام بین‌المللی نیز حاکمیت به معنای عدم وابستگی به قدرت دیگر است، از موضوعاتی که به‌طور متقابل بر تحول اصل حاکمیت و تعدیل اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها مؤثر بوده است، موضوع توسعه

حقوق بین‌المللی است، با وضع شدن تعداد زیادی از کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و دیگر اسناد حقوقی که در این زمینه تهیه و تصویب شده و تأثیر زیادی بر روابط بین‌دولت‌ها داشته است، نشان‌دهنده این است که حقوق بین‌الملل در این دوره گسترش چشمگیری داشته است. از نظر پروفیسور ویرالی، حاکمیت در جهان امروز با حاکمیت در سده نوزدهم فرق اساسی دارد و در حقوق بین‌الملل کنونی، در سنجش با برداشت سنتی، با دو محدودیت بزرگ روبرو شده است. محدودیت نخست در زمینه کاربرد خودسرانه زور است که پیشتر جزء لاینفک حاکمیت به شمار می‌آمد و محدودیت دوم ناشی از افزایش احترام به حقوق بشر و حقوق ملت‌هاست. (فقه حیبی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

حاکمیت در معنی سنتی خود به معنای قدرت برتر مافوق دولت‌ها که اختیار کامل در امور داخلی و استقلال در امور خارجی را دارا می‌باشد. امروزه دولت‌ها قدرت انحصاری مطلق و غیرمشروط در داخل کشور را ندارند و عمل و کردار دولت نه تنها در خارج بلکه حتی در داخل تابع حقوق بین‌الملل می‌باشد. در حقوق بین‌الملل اختیار کامل دولت‌ها در اعمال حاکمیت به معنای اختیار نامحدود در داخل کشور نمی‌باشد و احترام به حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، پایبندی به تعهدات بین‌المللی کشور، اعمال حاکمیت توسط دولت‌های ملی در عمل مقید و محدود ساخته است. سیاست‌های جهانی تحت شعاع وجدان مشترک بشری در راستای تأمین سعادت بشری و کرامت انسان‌ها و احترام به حقوق بشر قرار دارند. در این زمینه نهاد، اسناد و رژیم‌های حقوق بشر محدودیت‌های قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی متعددی را در تحدید حاکمیت شکل داده‌اند (رفیعی بصیری، جاودانی مقدم، کیانی، ۲۲۴: ۱۴۰۰). امروزه حاکمیت به معنی «مسئولیت» است و «مسئولیت» به معنی عرفی چیزی است که انسان عهده‌دار آن باشد و «حمایت» به معنای هواداری، طرفداری و نگهداری است. دکترین «مسئولیت حمایت» بدین معناست که حکومت نه یک امتیاز، بلکه یک مسئولیتی است که رهبران نسبت به آحاد مردم خود دارند. اصل مذکور را می‌توان از استثنائات اصل «عدم مداخله در امور داخلی کشورها» و نزدیک به اصل «مداخله بشردوستانه» دانست، با این تفاوت که در اصل مداخله بشردوستانه وارد کردن قوای نظامی یا تهدید به چنین عملی توسط یک یا چند دولت خارجی و مداخله در امور دولت دیگر است که هدف آن تسکین درد و رنج

بشر می‌باشد که علت آن ممکن است شامل نقض مستمر حقوق بشر به وسیله رژیم سرکوب‌گر یا فروپاشی عمومی اقتدار دولت مرکزی باشد که به یک وضعیت هرج و مرج منجر شده است ولی مسئولیت حمایت مفهومی فراتر و نوظهور است که در سه مرحله پیشگیری، واکنش و بازسازی انجام می‌شود و در پیوند میان حاکمیت و مداخله بشردوستانه نقش داشته است (اعرابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۷). شکست مداخله بین‌المللی در سومالی ۱۹۹۳، پاسخ ناکافی به نسل‌کشی در رواندا ۱۹۹۴، ناتوانی مطلق نیروهای سازمان ملل به منظور جلوگیری از تصفیه قومی در سربرنیتسا و بوسنی ۱۹۹۵، مداخله ناتو بدون مجوز شورای امنیت در کوزوو ۱۹۹۹ و همچنین بحران‌هایی چون سومالی، بوسنی و کوزوو طیفی از مسائل حقوقی، اخلاقی، سیاسی و عملیاتی را برانگیختند که جزء موارد بحث مداخله بشر دوستانه محسوب می‌شوند که در مواردی مداخله صورت گرفت. (غلامعلی‌پور و ایلخانی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳۸)

نظریه مسئولیت حمایت در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سران توسط مجمع عمومی به شکل رسمی پذیرفته شده است و این نظریه با توجه به تجربه‌های موفق و ناموفقی که در مداخلات بشر دوستانه در دهه ۱۹۹۰ در صورت بدون نتیجه ماندن اقدامات صلح‌آمیز شورای امنیت در مواجهه با شرایط نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایت یا تجاوز، اقدام نظامی در قالب رکن سوم نظریه مسئولیت حمایت و بدون مجوز شورای امنیت مجاز می‌داند. بر طبق این نظریه اگر که در مواجهه با جنایات غیر انسانی جمعی، دولت ناکارآمد عمل کند یا خود آن نهاد محرک جنایات غیر انسانی جمعی باشد، وظیفه حمایت از مردم آن کشور در اختیار جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد. (غلامعلی‌پور و ایلخانی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳۱)

مسئولیت حمایت متضمن تعهد سیاسی برای پایان دادن به بدترین اشکال خشونت و آزار و شکنجه است. این مسئله به دنبال کاهش شکاف بین تعهدات از پیش موجود کشورهای عضو، تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر و واقعیتی است که جمعیت‌های در معرض خطر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت با آن مواجه هستند. پس از جنایاتی که در دهه ۱۹۹۰ در بالکان و رواندا انجام شد و جامعه بین‌المللی نتوانست از آن جلوگیری کند، و مداخله نظامی ناتو در کوزوو

که توسط بسیاری به عنوان نقض ممنوعیت استفاده از زور مورد انتقاد قرار گرفت، جامعه بین‌المللی وارد عمل شد. در یک بحث جدی در مورد چگونگی واکنش به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر در سپتامبر ۱۹۹۹، کوفی عنان در حالی که گزارش سالانه خود را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه می‌کرد، «چشم‌انداز امنیت و مداخله انسانی در قرن آینده» را بررسی کرد و کشورهای عضو را به چالش کشید تا «برای حفظ اصول منشور، زمینه مشترک پیدا کنند و در دفاع از انسانیت مشترک اقدام کنند». او این چالش را در گزارش هزاره در سال ۲۰۰۰، تکرار کرد و گفت: «اگر مداخله بشردوستانه در واقع یک حمله غیرقابل قبول به حاکمیت است، چگونه باید به رواندا، به سربرنیتسا، به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که به هر بعد از انسانیت مشترک ما تجاوز می‌کند پاسخ دهیم؟»

این چالش توسط «کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت» که توسط دولت کانادا ایجاد شده بود، مطالعه شد و در پایان سال ۲۰۰۱ گزارشی تحت عنوان «مسئولیت حمایت» منتشر کرد. مفهوم مسئولیت حمایت از ایده «فرانسیس دنگ» مبنی بر "حاکمیت دولت به عنوان یک مسئولیت" الهام گرفته شد و این مفهوم را تأیید کرد که حاکمیت فقط محافظت در برابر مداخلات خارجی نیست - بلکه موضوعی است که دولت‌ها مسئولیت مثبتی برای رفاه جمعیت خود و برای کمک به یکدیگر دارند در نتیجه، مسئولیت اصلی حفاظت از مردم آن در درجه اول بر عهده خود دولت خواهد بود. با این حال، یک «مسئولیت باقی‌مانده» نیز متوجه جامعه وسیع‌تری از دولت‌ها بود و زمانی فعال می‌شود که یک دولت خاص به وضوح یا نمی‌خواهد یا قادر به انجام مسئولیت خود در حفاظت از شهروندان نیست یا خودش مرتکب واقعی جرائم یا جنایات فجیع است.

گزارش بعدی هیئت سطح عالی در مورد تهدیدها، چالش‌ها و تغییر، با عنوان «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» (A/59/565) و گزارش دبیرکل در سال ۲۰۰۵ «در آزادی بزرگتر: به سمت توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» (A/59/2005) این اصل را تأیید کردند که حاکمیت دولت با خود تعهد دولت برای محافظت از مردم خود را به همراه دارد و اگر دولت مایل یا قادر به انجام این کار نباشد، مسئولیت آن از طریق



ابزارهای دیپلماتیک، بشردوستانه و غیره به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود. هیچ یک از این گزارش‌ها مبنایی برای استفاده از زور برای این منظور به جز مجوز شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور به عنوان آخرین راه حل در صورت وقوع نسل‌کشی و سایر جنایات فجیع بین‌المللی مطرح نکردند.

در اجلاس جهانی ۲۰۰۵ در سطح عالی سازمان ملل، کشورهای عضو سرانجام به اصل مسئولیت حمایت از طریق گنجاندن آن در سند خروجی آن نشست متعهد شدند (A/RES/60/1). اگرچه مفهوم پذیرفته شده برخی از جنبه‌های پیشنهادی اولیه توسط کمیسیون حاکمیت و مداخله را حذف کرد، اما جنبه‌های اساسی خود را در رابطه با پیشگیری و پاسخ به جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه حفظ کرده است. در پاراگراف‌های ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نتیجه اجلاس جهانی ۲۰۰۵ (A/RES/60/1) سران کشورها و دولت‌ها مسئولیت خود را برای محافظت از مردم خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت تأیید کردند و یک توافق جمعی را پذیرفتند. مسئولیت تشویق و کمک به یکدیگر برای حفظ این تعهد. آن‌ها همچنین آمادگی خود را برای انجام اقدامات به موقع و قاطع، مطابق با منشور ملل متحد و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای مربوط، زمانی که مقامات ملی آشکارا در حفاظت از جمعیت خود کوتاهی می‌کنند، اعلام کردند.

نتیجه اجلاس سران قطعنامه مجمع عمومی است که در سطح سران کشورها و دولت‌ها تصویب شده است. به این ترتیب، بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ نشان‌دهنده تعهد سیاسی جدید و مهم کشورهای عضو است. با این حال، مسئولیت حمایت بر اساس یک مجموعه اساسی از تعهدات حقوقی بین‌المللی برای دولت‌ها است که در اسناد بین‌المللی موجود است یا از طریق رویه دولتی و رویه قضایی دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی در حال توسعه است. این تعهدات بین‌المللی موجود، دولت‌ها را ملزم می‌کند که از اقدامات متعددی برای جلوگیری و مجازات نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت خودداری کنند و اقداماتی را انجام دهند. پذیرش بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ با اجماع در چنین سطح سیاسی بالایی به توسعه این تعهدات انگیزه می‌بخشد. در نهایت، اصل مسئولیت حمایت از طریق کمک به دولت‌ها برای انجام مسئولیت‌های موجود خود،

حاکمیت را تقویت می‌کند. این برنامه فرصت‌های برنامه‌ریزی جدیدی را برای سیستم سازمان ملل ارائه می‌کند تا به دولت‌ها در جلوگیری از جنایات و تخلفات فهرست‌شده و حفاظت از جمعیت آسیب‌دیده از طریق ظرفیت‌سازی، هشدار زودهنگام و سایر اقدامات پیشگیرانه و حفاظتی کمک کند، نه صرفاً منتظر پاسخگویی در صورت شکست باشد.

از زمان تصویب مسئولیت حمایت در سال ۲۰۰۵، دبیر کل سازمان ملل متحد یک سری اقدامات را برای تشریح این اصل و هدایت اجرای عملی آن انجام داده است. کشورهای عضو نیز به طور مرتب اجرای این اصل را در جلسات رسمی و غیررسمی مورد بررسی قرار داده‌اند و این اصل مکرراً در قطعنامه‌های مربوطه سازمان ملل مورد اشاره و تأیید مجدد قرار گرفته است. سایر بازیگران از اجرای این اصل حمایت کرده و از آن حمایت کرده‌اند. در سند خروجی اجلاس جهانی ۲۰۰۵ در پاراگراف‌های مربوط به مسئولیت حمایت تصریح می‌کند «هر کشوری مسئولیت دارد از جمعیت خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت کند. این مسئولیت مستلزم پیشگیری از این گونه جرائم از جمله تحریک به (ارتکاب) آن‌ها از طریق مناسب و ضروری است. ما این مسئولیت را می‌پذیریم و بر اساس آن عمل می‌کنیم. جامعه بین‌الملل باید در صورت اقتضا، کشورها را تشویق و کمک کند تا این مسئولیت را انجام دهند و از سازمان ملل متحد در ایجاد قابلیت هشدار سریع حمایت کنند» (پاراگراف ۱۳۸). در ادامه خاطر نشان می‌کند «جامعه بین‌المللی، از طریق سازمان ملل متحد، همچنین مسئولیت استفاده از ابزارهای مناسب دیپلماتیک، بشردوستانه و دیگر ابزارهای مسالمت‌آمیز را بر اساس فصل‌های ششم و هشتم منشور برای کمک به حفاظت از مردم در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت برعهده دارد. در این زمینه، ما آمادگی داریم تا از طریق شورای امنیت، مطابق با منشور، از جمله فصل هفتم، به صورت موردی و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای ذی‌ربط اقدام جمعی به موقع و قاطعانه انجام دهیم. اگر وسایل صلح‌آمیز ناکافی باشد و مقامات ملی آشکارا از مردم خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت نکنند. ما بر لزوم ادامه رسیدگی مجمع عمومی به

مسئولیت حمایت از مردم در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت و پیامدهای آن با در نظر گرفتن اصول منشور و حقوق بین‌الملل تأکید می‌کنیم. ما همچنین در نظر داریم، در صورت لزوم و مناسب، به کشورها کمک کنیم تا ظرفیت خود را برای محافظت از جمعیت خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت ایجاد کنند و به کسانی که قبل از وقوع بحران‌ها و درگیری‌ها تحت استرس هستند، کمک کنیم» (پاراگراف ۱۳۹). در پاراگراف ۱۴۰ نیز تأکید می‌کند «ما به‌طور کامل از مأموریت مشاور ویژه دبیرکل در زمینه پیشگیری از نسل‌کشی حمایت می‌کنیم».

مفهوم مسئولیت حمایت که در دهه اخیر با سرعت قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته در قطعنامه‌های متعددی از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل مورد توجه قرار گرفته است. قطعنامه‌های مزبور به تبیین رخداد جنایت علیه بشریت که از جمله جنایات چهارگانه مسئولیت حمایت است می‌پردازد. این قطعنامه‌ها (نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر شامل ناپدیدسازی اجباری، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و اعدام‌های بدون محاکمه را محکوم می‌کنند (شریفی طرازکوهی و مبینی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). قطعنامه ۱۹۷۳ مورخ ۱۷ مارس ۲۰۱۱ شورای امنیت برای اولین بار مجوز استفاده از تمامی اقدامات لازم از جمله استفاده از نیروی نظامی در اجرای مسئولیت حمایت را صادر کرد و از دیدگاهی این رویداد نقطه مهمی در کاربست نیروی نظامی در چارچوب مسئولیت حمایت مطرح شده که از یک سو برابری از تحولات صورت گرفته در عرصه سیاست بین‌الملل است و از طرفی دیگر سرآغاز تحولات جدیدی در آینده عملکرد بین‌المللی در زمینه مسئولیت حمایت می‌باشد (شریفی طرازکوهی و مبینی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). روش تحقیق این مقاله مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد<sup>۱</sup> است. پژوهشگران کیفی کار و منتقد پوزیتیویسم این روش تحقیق اسقراایی را به‌عنوان جایگزینی برای روش فرضیه‌ای-قیاسی مطرح کردند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲) روش نظریه داده‌بنیاد مجموعه‌ای از فرایندهای نظام‌مند را به منظور توسعه نظریه‌ای داده‌بنیاد که به صورت قیاسی درباره یک پدیده حاصل شده به‌کار می‌گیرد (اشتراوس، ۱۹۹۰: ۲۲). نظریه داده

<sup>۱</sup> -grounded theory

بنیاد روش‌شناسی نظام‌مند در حوزه علوم اجتماعی است که بر تولید نظریه از داده در فرایند اجرای پژوهش تأکید دارد (یانسی، ۱۹۸۶: ۱۴۱).

### ۳. اعمال نظریه مسئولیت حمایت در اوکراین

جنايات جنگی شامل نقض‌های مختلف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله هدف قرار دادن غیرنظامیان و استفاده عمدی از گرسنگی است. در شرایط فعلی اوکراین مستحق دریافت کمک‌های مؤثر و کامل در چهارچوب اصل مسئولیت حمایت است (Cottier, 2022:1). مسئولیت حمایت به‌عنوان یک اصل سیاسی پذیرفته شده است، اما هنوز به‌عنوان یک اصل حقوق معاهدات تثبیت نشده است. اوکراین، به دلیل حمله مسلحانه توسط فدراسیون روسیه، اگرچه مایل است، اما دیگر در موقعیتی نیست که بتواند به تنهایی از مردم خود محافظت کند. بنابراین این کشور از منظر تئوری مستحق توسل به اصل مسئولیت حمایت برای دریافت کمک از سوی جامعه بین‌المللی است.

از سوی دیگر، رئیس‌جمهور اوکراین مکرراً از جامعه بین‌المللی و به ویژه ناتو درخواست تعیین منطقه پرواز ممنوع بر فراز اوکراین نموده است. بنابراین، حاکمیت اوکراین مانعی برای اتخاذ اقداماتی بر اساس اصل مسئولیت حمایت نمی‌بیند و این اقدامات از نظر اوکراین با اصل احترام به حاکمیت ملی کشورها تعارضی نخواهد داشت (Cottier, 2022:2). دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده اوکراین علیه فدراسیون روسیه، در ۱۶ مارس ۲۰۲۲ بر اساس کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی یک دستور موقت صادر کرد. دیوان از فدراسیون روسیه می‌خواهد تا به عملیات نظامی که از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز کرده پایان دهد (Cottier, 2022:3). با توجه به مخالفت روسیه هر گونه اقدام سازمان ملل متحد برای مداخله نیازمند مجوز شورای امنیت است. اما در چهارچوب حق دفاع مشروع مذکور در ماده ۵۱ منشور اوکراین می‌تواند به دفاع از خود اقدام کند. اگر روسیه قطعنامه شورای امنیت را وتو کند مجمع عمومی با دو سوم آرا می‌تواند قطعنامه‌ای شبیه به قطعنامه اتحاد برای صلح صادر نماید و مجوز حمایت از اوکراین را بدهد (Cottier, 2022:3). دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر بر اساس مأموریت ناظر حقوق بشر سازمان ملل در اوکراین، در خصوص موارد نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه و قوانین بین‌المللی حقوق بشر در جریان حمله روسیه به اوکراین

در گزارش خود آورده است: در طول دوره تهیه این گزارش، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در مجموع ۸۳۶۸ تلفات غیرنظامی را ثبت کرد که ۳۹۲۴ نفر کشته و ۴۴۴۴ نفر زخمی شدند. حداقل ۹۵ دختر، ۹۸ پسر، ۹۸۵ زن، ۱۵۱۹ مرد و ۱۲۲۷ نفر که جنسیت آنها هنوز مشخص نیست از ۲۴ فوریه تا ۱۵ مه کشته شده‌اند و حداقل ۱۰۴ دختر، ۱۲۶ پسر، ۶۰۴ زن، ۹۰۷ مرد و ۲۷۰۳ نفر با جنسیت هنوز ناشناخته مجروح شدند. با این حال، تعداد واقعی تلفات بسیار بیشتر است، زیرا این ارقام فقط شامل مواردی است که دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر قادر به تأیید کامل آنها بوده است. در نتیجه جنگ، زیرساخت‌های غیرنظامی و خانه‌های بسیاری به شدت آسیب دیده است. کمیساریای عالی حقوق بشر خسارت یا تخریب ۱۸۲ مرکز پزشکی و ۲۳۰ مرکز آموزشی را در نتیجه حملات روسیه ثبت کرده است. این حملات همچنین جان غیرنظامیان را به خطر انداخته و آنها را از حق بهداشت، کار، آموزش و مسکن محروم ساخته است.

خصومت‌ها همچنین تأثیر منفی شدیدی بر افراد و گروه‌هایی که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر هستند، از جمله افراد دارای معلولیت و افراد مسن داشته است. کمیساریای عالی حقوق بشر دریافته است که بسیاری از آنها قادر به دسترسی به پناهگاه‌ها نبودند و مجبور بودند به کمک اعضای خانواده خود و سایرین، زمانی که چنین کمک‌هایی حتی در دسترس بود، تکیه کنند. درگیری‌های شدید باعث آوارگی گسترده مردم غیرنظامی شده است که پیامدهای جدی برای برخورداری آنها از حقوق انسانی خود از جمله حقوق اقتصادی و اجتماعی داشته است (OHCHR, 2022:5).

کمیسیاریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان گزارش داده که بیش از ۶.۲ میلیون نفر تا ۱۵ می ۲۰۲۲ از کشور گریخته‌اند و سازمان بین‌المللی مهاجرت نشان داده که بیش از ۸ میلیون نفر در داخل اوکراین آواره شده‌اند (IOM, 2022:1). دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ادعاهای متعددی در مورد قتل و اعدام‌های خودسرانه، بازداشت خودسرانه و ناپدید شدن اجباری، شکنجه و بدرفتاری، و خشونت جنسی مرتبط با درگیری‌ها را تأیید می‌کند. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ادعاهای مربوط به قتل‌های غیرقانونی، از جمله اعدام خودسرانه غیرنظامیان در بیش از ۳۰ شهرک در مناطق

کیف، چرنیگیف و خارکیف را مستند و تأیید کرده است. این قتل‌ها در حالی انجام شده که این مناطق از اواخر فوریه و مارس تحت کنترل نیروهای مسلح روسیه درآمدند. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر تنها در بوچا (منطقه کیف)، قتل غیرقانونی، حداقل ۵۰ غیرنظامی را مستند کرده است. بیشتر قربانیان مرد بودند، اما زنان و کودکان نیز جزء قربانیان بودند (OHCHR, 2022:6). گزارشگران دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری در اروپا در خصوص جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی در اوکراین در جریان تهیه گزارش خود موارد روشنی از نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه را کشف کرده‌اند. از جمله آنکه تعداد قابل توجهی از غیرنظامیان کشته یا مجروح شده‌اند و اماکن غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، اموال فرهنگی، مدارس، ساختمان‌های مسکونی چند طبقه، ساختمان‌های اداری، ندامتگاه‌ها، سیستم‌های آب و برق در بسیاری از شهرها و روستاها آسیب دیده یا تخریب شده‌اند.

بزرگی و فراوانی حملات بی‌رویه به غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی، به‌ویژه در نقاطی که هیچ‌گونه تاسیسات نظامی وجود ندارد، نشان می‌دهد طرفین منازعه به تعهد اساسی خود جهت رعایت اصول بنیادین تمایز (تفکیک)، تناسب و احتیاط که اساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی می‌باشند توجهی ندارند نشانه‌های شکنجه و بدرفتاری بر روی اجساد غیرنظامیان کشته شده نیز، نشان از بی‌توجهی به اصل انسانیت دارد. اصلی که باید راهنمای اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی در هنگام عملیات نظامی باشد. رویدادهای مربوط به شهرهای بوچا و ایرپین که مأمورین سازمان امنیت و همکاری اروپا از آنها بازدید کرده‌اند، نمونه‌های نمادین نقض فاحش حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه مندرج در کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن می‌باشند. نقضی که جنایت جنگی محسوب می‌شود (ODIHR, 2022:3). مأموران سازمان امنیت و همکاری اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که قوانین بین‌المللی حقوق بشر نیز به‌طور گسترده در درگیری‌های اوکراین نقض شده‌اند. برخی از جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر شامل کشتار هدفمند غیرنظامیان، از جمله روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر، یا شهرداران محلی و علاوه بر آن بازداشت‌های غیرقانونی، آدم‌ربایی، ناپدید شدن اجباری، شکنجه؛ اخراج گسترده

غیرنظامیان اوکراینی به روسیه؛ اشکال مختلف بدرفتاری، عدم رعایت تضمین‌های دادرسی عادلانه و اعمال مجازات اعدام می‌باشد. بیشتر حوادث، البته نه همه، در سرزمین‌های به اصطلاح جمهوری‌های خلق دونتسک و لوهانسک صورت گرفته است. در پاسخ به این سؤال که آیا حمله روسیه به اوکراین فی‌نفسه می‌تواند به عنوان «حمله‌ای گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان توصیف شود به گونه‌ای که بتوان روسیه را به جنایات علیه بشریت متهم کرد، تردیدهایی وجود دارد. با این حال، برخی از اعمال خشونت‌آمیز ناقض حقوق بشر بین‌الملل، که مکرراً در جنگ اوکراین مستندسازی شده‌اند مانند قتل‌های هدفمند، ناپدیدسازی اجباری و ربودن غیرنظامیان مصداق جنایت علیه بشریت می‌باشند (ODIHR, 2022:4).

نویسندگان گزارش بر اساس داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، به این نتیجه می‌رسند که تهاجم روسیه منجر به آسیب‌های غیرضروری و نامتناسب به غیرنظامیان شده است. همچنین ارتش روسیه با استفاده از موشک، توپخانه سنگین و مهمات خوشه‌ای حملات عمدی و بدون تبعیضی علیه اهداف غیرنظامی و مناطق پرجمعیت انجام داده است. علاوه بر این، استفاده گسترده روسیه از مهمات فرعی که بلافاصله منفجر نمی‌شوند، غیرنظامیان را برای سال‌ها در معرض خطر قرار می‌دهد. حملات نیروهای روسی باعث خسارت و تخریب خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، مهدکودک‌ها، نیروگاه‌های هسته‌ای، ساختمان‌های تاریخی و کلیساها شده است. جنگ همچنین بلایای زیست محیطی از جمله آلودگی هوا، خاک و آب را به همراه داشته است. تعداد زیادی غیرنظامی کشته یا زخمی شده و همچنین ساختمان‌های غیرنظامی ویران شده، که عمدتاً از منطقه درگیری دور بوده‌اند. حوادث فوق گزارشگران را به این باور می‌رساند که در موارد فوق‌الذکر بسیار بعید است که اهمیت نظامی اهداف هدف قرار گرفته شده آنقدر قابل توجه باشد تا هدف قراردادن غیرنظامیان را توجیه کند. تلفات و جراحات غیرنظامیان و خسارات وارده به ساختمان‌های غیرنظامی تا حد زیادی با مزایای نظامی عملی و مستقیم مورد انتظار تناسب ندارد. این به منزله نقض اصل تناسب است که ممکن است جنایت جنگی باشد (ODIHR, 2022:58). دنیا میاتوویچ کمیسر حقوق بشر شورای اروپا، ضمن سفر خود به اوکراین از ۲ تا ۷ می ۲۰۲۲ در گزارشی تحت عنوان "الگوهای نقض حقوق

بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی " آورده است: تهاجم فدراسیون روسیه به اوکراین منجر به نقض جدی و گسترده حقوق بشر و قوانین بین‌المللی بشردوستانه شده است که اثرات فاجعه‌باری بر بهره‌مندی مردم این کشور از تقریباً تمامی حقوق بشر داشته است. الگوهایی از نقض حق حیات، از جمله قتل‌های خودسرانه و ناپدید شدن اجباری، و همچنین نقض حق مالکیت، از جمله تخریب گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی؛ تخلفات در مورد ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری، به ویژه خشونت مبتنی بر جنسیت و خشونت جنسی مرتبط با جنگ؛ و نقض حق آزادی و امنیت، از جمله آدم‌ربایی و بازداشت خودسرانه یا قطع ارتباط با دیگران می‌باشد. همه این موارد نقض حقوق بشر می‌باشد. نمونه‌هایی از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از جمله حملات گسترده و سیستماتیک، همراه با فقدان آشکار اقدامات پیشگیرانه، نیز مشهود است که احتمالاً می‌توانند به عنوان جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت توصیف شوند (Mijatovic, 2022:4). نشانه‌های قوی وجود دارد که نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر بین‌الملل در جریان درگیری‌ها رخ داده است، به ویژه با توجه به (عدم رعایت) اصول تمایز و ممنوعیت حملات بی‌مورد (HRMMU, 2022:1).

### ۳. چارچوب حقوقی مسئولیت بین‌المللی روسیه و اوکراین

اوکراین و فدراسیون روسیه، هر دو عضو چندین معاهده مهم حقوق بشری هستند. معاهدات حقوق بشر در همه حوزه‌هایی که یک دولت صلاحیت خودش را اعمال می‌کند، اعم از داخل یا خارج از سرزمین اصلی خود، قدرت اجرایی دارند. قوانین بین‌المللی حقوق بشر در تمام سرزمین‌هایی که یک دولت بر آن کنترل مؤثر دارد و در خصوص تمام افرادی که دولت بر آنها کنترل مؤثر دارد باید رعایت شوند. در رابطه با درگیری‌های نظامی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی از طرف‌های درگیر می‌خواهد که همیشه بین جمعیت غیرنظامی و نظامیان و بین اشیاء غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند، صرفاً حملات مستقیم علیه اهداف نظامی را انجام دهند و تمام اقدامات احتیاطی ممکن را در انتخاب تجهیزات و روش‌های حمله به منظور جلوگیری یا به حداقل رساندن تلفات تصادفی غیرنظامیان و آسیب به اشیاء غیرنظامی انجام دهند (HRMMU, 2022:2).



#### ۴. استفاده از سلاح‌های با شعاع تأثیر و تخریب وسیع

استفاده از سلاح‌های با شعاع تأثیر و تخریب وسیع مانند بمب‌های خوشه‌ای به علت عدم تمایز میان نظامیان و غیر نظامیان در مناطق پرجمعیت ممنوع است. مهمات خوشه‌ای به انواع وسایل انفجاری گفته می‌شود که در اثر یک انفجار اولیه تعداد زیادی مهمات کوچک‌تر را در منطقه انفجار پخش می‌کنند تا با فاصله زمانی پس از انفجار اول منفجر شوند.

در حالی که نه فدراسیون روسیه و نه اوکراین کنوانسیون ۲۰۰۸ منع بکارگیری هرنوع مهمات خوشه‌ای را تصویب نکردند، ادعاهایی مبنی بر استفاده نیروهای مسلح روسیه از مهمات خوشه‌ای در مناطق پرجمعیت حداقل ۱۶ بار دریافت شده است که منجر به تلفات غیرنظامی و همچنین آسیب به اماکن غیرنظامی شده است. به‌عنوان مثال، در ۲۴ فوریه، یک بمب خوشه‌ای در بیمارستان مرکزی شهر در وولدار منطقه دونتسک منفجر شد که منجر به کشته شدن حداقل چهار غیرنظامی و زخمی شدن ۱۰ نفر و آسیب رساندن به آمبولانس‌ها و بیمارستان شد. در ۲۵ فوریه، شش بمب در یک مهدکودک در اوختیرکا فرود آمد. همان روز، بدون دقت موشک‌های هدایت شونده حامل مهمات خوشه‌ای در چندین منطقه خارکف مورد استفاده قرار گرفت که منجر به کشته شدن حداقل ۹ غیرنظامی و زخمی شدن ۳۷ نفر شد (HRMMU, 2022:3).

از زمان آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین، شواهد فزاینده‌ای مبنی بر نقض قوانین کیفری بین‌المللی در جریان جنگ وجود داشته است. تحقیقات فعال در مورد اتهامات جنایات بین‌المللی اصلی (که به عنوان جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جرم تجاوز طبقه بندی می‌شوند) با دخالت مقامات اوکراینی، دادگاه کیفری بین‌المللی و سایر سازمان‌های بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا شروع شده است.

تحقیقات در مورد جرم تجاوز، مربوط به تهاجم روسیه به اوکراین، به دلیل این واقعیت که نه روسیه و نه اوکراین از امضاکنندگان اساسنامه رم، که دادگاه کیفری بین‌المللی را تأسیس کرد نمی‌باشند، با مانع روبه‌رو است. پارلمان اروپا به بررسی تحقیقات در مورد جنایات بین‌المللی اصلی در اوکراین پرداخته است. نه اوکراین و نه فدراسیون روسیه عضو اساسنامه رم نیستند، اما اوکراین تا به حال دو مرتبه صلاحیت رسیدگی به جنایات

ادعایی در قلمرو خود را به دیوان بین‌المللی کیفری داده است. دفعه دوم از فوریه ۲۰۱۴ به بعد در مسئله الحاق شدن کریمه به روسیه به دیوان صلاحیت دائمی داده است. در ۲ مارس ۲۰۲۲، کریم اسد احمد خان، دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، اعلام کرد که بر اساس ارجاعات دریافت شده توسط لیتوانی و ۳۹ کشور عضو دیگر از جمله تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه رم، دفتر وی فوراً تحقیقات در مورد وضعیت جنگ در اوکراین را به جریان می‌اندازد (Neville, 2022,4).

### ۵. جرم تجاوز

ماده ۸ اساسنامه رم، جرم تجاوز را برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، شروع، یا اجرای اعمال تجاوزکارانه با نقض منشور ملل متحد، مانند تهاجم، اشغال یا الحاق با زور توسط یک رهبر سیاسی یا نظامی تعریف می‌کند. این ماده به دیوان بین‌المللی کیفری این امکان را می‌دهد تا رهبران ارشد سیاسی یا نظامی را به دلیل جنگ غیرقانونی علیه دولت دیگر تحت پیگرد قانونی قرار دهد. کشورهایی که عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند، مانند اوکراین و روسیه، از صلاحیت دادگاه در مورد جرم تجاوز مستثنی هستند، مگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل پرونده را به دیوان ارجاع دهد، امری که با توجه به حق وتوی روسیه بر تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل، بعید است. به همین دلیل، پیشنهادهایی از سوی کارشناسان حقوقی و سیاستمداران مبنی بر ایجاد یک دادگاه بین‌المللی موقت برای تعقیب جرم تجاوز در رابطه با جنگ اوکراین ارائه شده است. چنین دادگاهی صلاحیت محاکمه افراد مسئول تجاوز را خواهد داشت. پارلمان اروپا در قطعنامه خود در ۱۹ مه ۲۰۲۲ با اشاره به عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در مورد جرم تجاوز در جنگ با اوکراین، خواستار تشکیل «دادگاه بین‌المللی ویژه» شد (Neville, 2022,7). در ۳ مارس ۲۰۲۲، مکانیسم مسکوی سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) توسط اوکراین با حمایت ۴۵ کشور عضو این سازمان مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه، هیأتی متشکل از سه کارشناس در ۱۴ مارس ۲۰۲۲ منصوب شدند که طبق قوانین مکانیسم مسکو قرار بود کار خود را ظرف سه هفته تکمیل کنند. این هیأت در ۵ آوریل ۲۰۲۲ گزارش خود را به دولت درخواست کننده یعنی اوکراین تحویل داد. سازمان از این هیأت خواسته بود موارد ادعایی نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر و

حقوق بشردوستانه بین‌المللی را بررسی نماید و در خصوص احتمال وقوع جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، از جمله حملات عمدی و بدون تبعیض علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی تحقیق کنند. هر چند روسیه از همکاری با این هیأت خودداری نمود اما، اعضای این مأموریت موارد روشنی از نقض حقوق بشر بین‌المللی توسط نیروهای روسی در انجام خصومت‌ها پیدا کردند. اگر آنها به تعهدات حقوق بشردوستانه خود از نظر تمایز، تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله و در مورد اماکن حفاظت شده به ویژه بیمارستان‌ها احترام گذاشته بودند، تعداد غیرنظامیان کشته یا مجروح بسیار کمتر می‌بود. به همین ترتیب، خانه‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن فرهنگی، مدارس، ساختمان‌های مسکونی چند طبقه، ایستگاه‌های آب و سیستم‌های برق به میزان بسیار کمتری آسیب می‌دیدند. علاوه بر این، بسیاری از رفتارهای نیروهای روسی که در بخش‌هایی از اوکراین که قبل و بعد از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آن را اشغال کرده‌اند، و اعمال نمایندگان آنها در «جمهوری‌های» خودخوانده دونتسک و لوهانسک، ناقض تعهدات حقوق بشر دوستانه مربوط به اشغال نظامی است (Benedek, 2022,1). مداخله آمریکا و ناتو ممکن است خطر استفاده از سلاح‌های اتمی و بروز جنگ جهانی سوم را افزایش دهد. اما با این حال، بایستی کمک‌های محدودتری نظیر کمک‌های پزشکی و غذایی به اوکراین ارائه شود. پیشنهاد عملی‌تر ایجاد کریدورهای امنی است که غیرنظامیان و تمامی سازمان‌های بشردوستانه و به‌ویژه صلیب سرخ بتوانند از آن استفاده نمایند. برای حراست از این کریدورها نیز در صورت لزوم ناتو باید فقط بر فراز آنها منطقه پرواز ممنوع ایجاد کند، نه بر فراز کل اوکراین (Cottier, 2022:3).

### نتیجه‌گیری

بحران اوکراین از منظر بحران انسانی روز به روز ابعاد پیچیده‌تری پیدا می‌کند، طرفین مخاصمه در موارد متعددی قواعد آمره حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کرده‌اند. اعدام‌های بدون محاکمه، گورهای دسته‌جمعی، ناپدیدسازی اجباری، بازداشت‌های خودسرانه، بدرفتاری با اسرا و مجروحین جنگی، حمله به اماکن غیرنظامی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه و عدم رعایت اصل تفکیک در مخاصمات مسلحانه به دفعات گزارش شده است. با توجه

به اوضاع و احوال کاربست نظریه مسئولیت حمایت شاید از منظر حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شود اما در شرایط بن بست مذاکرات دیپلماتیک فعلی و محدودیت‌های امدادسانی به مردم کاربست اقدامات کم شدت نظامی با هدف حمایت از غیرنظامیان در شرایطی که شورای امنیت توان تصمیم‌گیری ندارد می‌تواند منجر به وخامت اوضاع شود، سیاست مسلح کردن طرفین مخاصمه هم ابعاد انسانی بحران را تشدید کرده است. سوء استفاده ایالات متحده از نظریه مسئولیت حمایت در بحران لیبی نیز جامعه بین‌المللی را به شدت نسبت به مقاصد ایالات متحده و ناتو بدبین و دچار تردید کرده است. لذا با وجود مبانی حقوقی جهت مداخله سیاسی، دیپلماتیک و اقدام کم شدت نظامی با هدف حفاظت از غیرنظامیان این مداخله در بعد نظامی آن توصیه نمی‌شود و تمرکز جامعه بین‌المللی باید بر جلوگیری از ارسال سلاح به طرفین منازعه و کمک‌های غذایی، پزشکی و فعالیت‌های میانجیگرانه با هدف توقف فوری منازعه و فصل خصومت قرار بگیرد.

## منابع

- توکلی طبسی، علی، منصور، فرنگیس (۱۳۹۴)، تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۲، بهار و تابستان، صص ۲۰۴-۱۵۹.
- حاجی یوسفی (۱۳۸۸)، آموزش، پژوهش و تولید دانش سیاسی در کانادا، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- حبیب زاده، توکل (۱۳۹۲)، بررسی مشروعیت مسئولیت حمایت در اسلام، *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال سوم، شماره هفتم، پاییز و زمستان، صص ۵۲-۳۳.
- رضایی، محمد تقی، ایلخانی پور، علی، کوشا، سهیلا، غلامعلی پور، علی (۱۳۹۴)، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال ششم، شماره پانزدهم، بهار، صص ۲۲۳-۱۹۷.
- رفیعی بصیری، مرتضی، جاودانی مقدم، مهدی، کیانی، داود (۱۴۰۰)، بازخوانی پارادوکس حاکمیت و مداخله در حقوق بین‌الملل نوین، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۸، شماره ۲(۷۰)، پاییز، ۲۲۳-۲۴۳.

سیف زاده، فرزانه، زمانی، سید قاسم، سواری، حسن، راعی، مسعود (۱۳۹۷)، مصونیت دولتها در پرتو  
دکترین مسئولیت حمایت، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۸، شماره ۱، بهار، ۱۳۸-۱۲۱.  
شریفی طرازکوهی، حسین، فرزانه، یوسف (۱۳۹۳)، امکان یا امتناع نظریهٔ مسئولیت حمایت در نظام  
حقوقی اسلام، **فصلنامه حقوق ملل**، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۳، صص ۳۶۹-۳۴۳.  
شریفی طرازکوهی، حسین، مبینی، جواد (۱۳۹۳)، تحلیل حقوقی مداخله ناتو در لیبی با تأکید بر دکترین  
مسئولیت حمایت، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ششم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۳۴-۱۰۵.  
غلامعلی پور، علی، (۱۳۹۴)، بررسی مبانی حقوقی مداخله بشردوستانه و توسل به زور بدون مجوز  
شورای امنیت سازمان ملل: با تأکید بر سوریه، به راهنمایی محمد تقی رضایی، دانشگاه پیام نور،  
رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی.

غلامعلی پور، علی، ایلخانی پور، علی (۱۳۹۶)، تبعات سیاسی و امنیتی نظریه مسئولیت حمایت در کشور  
سوریه، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، سال هشتم، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۴ (پیاپی ۲۶)،  
صص ۱۵۰-۱۳۱.

فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۶)، تحول مفهوم حاکمیت ملی دولتها در پرتو دکترین مسئولیت حمایت،  
**فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، صص ۱۷۳-۱۴۹.  
کریمی فرد، حسین. (۱۴۰۱). تبیین رویکردهای حقوق بشری امریکا و چین (۲۰۲۰-۲۰۱۷). سیاست  
جهانی، ۱۱(۴)، ۱۹۷-۲۲۰.

موسی زاده، رضا، حسین‌زاده، سارا (۱۳۹۹)، ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در  
بهره‌گیری از دکترین مسئولیت حمایت، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۵۰، شماره ۲،  
تابستان، ۴۹۰-۴۶۵.

Benedek, Veronika, Marco Sassòli, Bílková(2022) The OSCE Report on  
Violations of International Humanitarian and Human Rights Law, War  
Crimes and Crimes Against Humanity Committed in Ukraine Since 24  
February 2022, available in [https://ishr.org/the-osce-report-on-war-crimes-in-ukraine-as-of-february-24-2022/\(accessed 5/11/2023\)](https://ishr.org/the-osce-report-on-war-crimes-in-ukraine-as-of-february-24-2022/(accessed%205/11/2023)).

Benedek,V, Bílková,V, SassOli,M,2022, Report on Violations of International  
Humanitarian and Human Rights Law, War Crimes and Crimes against  
Humanity Committed in Ukraine since 24 February 2022:  
<https://www.osce.org/odihr/515868>

Cottier, Thomas, 2022, Ukraine and the Responsibility to Protect:  
<https://suisse-en-europe.ch/wp-content/uploads/2022/03/Memorandum-R2P-Ukraine-190322.pdf>

Hookway, James & Trofimov, Yaroslav (2022), Why Russia is Invading  
Ukraine and What Putin Wants, WSJ (Mar. 29,

<https://data2.unhcr.org/en/situations/ukraine>

International Organization for Migration (IOM),2022, Regional Ukraine Crisis  
Response:

[https://www.iom.int/sites/g/files/tmzbd1486/files/situation\\_reports/file/iom-regional-ukraine-responseexternal-sitrep-12052022\\_3.pdf](https://www.iom.int/sites/g/files/tmzbd1486/files/situation_reports/file/iom-regional-ukraine-responseexternal-sitrep-12052022_3.pdf)

Mijatovic, Dunja, 2022, Memorandum on the human rights consequences of the war in Ukraine: <https://rm.coe.int/memorandum-on-the-human-rights-consequences-of-the-war-in-ukraine/1680a72bd4>

Neville, Ann, European Parliament, Russia's war on Ukraine: Investigating and prosecuting international crime: [https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS\\_BRI\(2022\)\\_733525](https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI(2022)_733525)

Organization for Security and Co-operation in Europe, Office for Democratic Institutions and Human Rights(ODIHR),2022, Report on Violations of International Humanitarian and Human Rights Law, War Crimes and Crimes Against Humanity Committed in Ukraine: <https://www.osce.org/files/f/documents/3/e/522616.pdf>

the Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR), 2022, Situation of human rights in Ukraine in the context of the armed attack by the Russian Federation: <https://www.ohchr.org/en/documents/country-reports/situation-human-rights-ukraine-context-armed-attack-russian-federation>

The United Nations Human Rights Monitoring Mission in Ukraine (HRMMU),2022,Update on the human rights situation in Ukraine: <https://www.ohchr.org/en/documents/country-reports/hrmmu-update-human-rights-situation-ukraine-24-february-26-march-2022>

Ukraine: civilian casualty update 4, July 2022, available in <https://www.ohchr.org/en/news/2022/07/ukraine-civilian-casualty-update-4-july-2022>(accessed 5/12/2023).

۸۴

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سی‌و‌نهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی پنجاه

و یکم، زمستان

۱۴۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی